

ارزیابی کیفیت در نظام آموزش عالی: ضرورتی برای حرکت به سوی دانشگاه نسل پنجم

#### چکیده

تحولات گسترده در نقش و مأموریت دانشگاه‌ها در دهه‌های اخیر، مفهوم «کیفیت» در آموزش عالی را نیز دچار تغییر کرده است. دانشگاه‌ها دیگر صرفاً مراکز آموزش و تولید مقاله نیستند، بلکه انتظار می‌رود در حل مسائل جامعه، توسعه فناوری، نوآوری و تحقق توسعه پایدار نیز نقش‌آفرینی کنند. در چنین شرایطی، نظام‌های ارزیابی کیفیت باید فراتر از شاخص‌های سنتی آموزش و پژوهش حرکت کرده و ابعاد اثرگذاری اجتماعی و اقتصادی دانشگاه‌ها را نیز مورد توجه قرار دهند. این نوشتار با مرور تحول نسل‌های دانشگاه و بررسی برخی تجربه‌های جهانی، بر ضرورت حرکت به سوی نظام‌های ارزیابی مأموریت‌محور و اثرگذاری‌محور در آموزش عالی تأکید می‌کند.

#### مقدمه

آموزش عالی یکی از مهم‌ترین نهادهای اثرگذار در توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی کشورهاست. دانشگاه‌ها در گذشته عمدتاً به عنوان مراکز آموزش و انتقال دانش شناخته می‌شدند، اما در دهه‌های اخیر نقش و کارکرد آنها به طور چشمگیری گسترش یافته است. امروز از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود علاوه بر آموزش و تولید دانش، در حل مسائل جامعه، توسعه فناوری، نوآوری و بهبود کیفیت زندگی نیز نقش فعالی ایفا کنند.

در چنین شرایطی، «کیفیت» در آموزش عالی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های دانشگاهی تبدیل شده است. با این حال، مفهوم کیفیت در دانشگاه‌ها مفهومی ایستا نیست و همزمان با تحول مأموریت‌ها و کارکردهای دانشگاه‌ها دچار تغییر و بازتعریف می‌شود. از همین رو، نظام‌های ارزیابی کیفیت نیز باید بتوانند این تحولات را بازتاب دهند و شاخص‌هایی متناسب با مأموریت‌های جدید دانشگاه‌ها طراحی کنند.

#### تحول مأموریت‌های دانشگاه

برای درک بهتر تغییر مفهوم کیفیت در آموزش عالی، می‌توان به سیر تحول نسل‌های دانشگاه اشاره کرد.

دانشگاه‌های نسل اول عمدتاً آموزش‌محور بودند و مأموریت اصلی آنها انتقال دانش و تربیت نیروی انسانی متخصص محسوب می‌شد. در این دوره، کیفیت دانشگاه بیشتر بر اساس کیفیت آموزش و توانایی تربیت دانش‌آموختگان سنجیده می‌شد.

با گسترش فعالیت‌های علمی، دانشگاه‌های نسل دوم شکل گرفتند که در آنها پژوهش به عنوان مأموریتی اساسی در کنار آموزش قرار گرفت. تولید دانش و انتشار دستاوردهای علمی به شاخص‌های مهم ارزیابی دانشگاه تبدیل شد.

در ادامه، دانشگاه‌های نسل سوم با تأکید بر نوآوری، کارآفرینی و تجاری‌سازی دانش شکل گرفتند. در این مرحله، دانشگاه‌ها علاوه بر آموزش و پژوهش، نقش مهمی در توسعه فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ایفا کردند. هدف این دانشگاه‌ها تربیت افرادی بود که توانایی ایجاد شغل و ارزش افزوده برای جامعه را داشته باشند و این هدف با طراحی برنامه‌های آموزشی که مهارت‌های عملی و کارآفرینی را در دانشجویان تقویت کنند، قابل تحقق بود. بنابراین کیفیت این نسل دانشگاه با میزان اثرگذاری بر اقتصاد بومی سنجیده می‌شود.

دانشگاه‌های نسل چهارم نیز با گسترش تعامل با صنعت، دولت و جامعه، به بازیگران فعال در اکوسیستم‌های نوآوری تبدیل شدند. در این رویکرد، دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند دانش و فناوری را در تعامل با نیازهای واقعی جامعه توسعه دهند. تأکید بر مسئولیت اجتماعی، مشارکت فعال در پروژه‌های اجتماعی و همکاری با سازمان‌های غیردولتی از ویژگی‌های بارز این نسل است. از طرف دیگر این نسل دانشگاه بر برنامه‌های میان رشته‌ای، شیوه‌های آموزش مساله-محور، یادگیری ترکیبی و ارتباطات دیجیتال نیز تأکید دارد. با این ویژگی‌ها کیفیت نسل چهارم

دانشگاه علاوه بر محیط بیرونی نیز تأکید دارد و باید سهم دانشگاه در توسعه و رفاه و پاسخگویی و فهم سفارش های خاموش اجتماعی در نظر گرفته شود.

دانشگاه نسل پنجم؛ دانشگاهی مسئله محور و اثرگذار

در سال های اخیر، در ادبیات آموزش عالی از مفهوم «دانشگاه نسل پنجم» نیز سخن گفته می شود. در این رویکرد، دانشگاه نهادی است که علاوه بر آموزش، پژوهش و نوآوری، به طور فعال در حل مسائل پیچیده اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مشارکت می کند و در تحقق توسعه پایدار نقش آفرینی دارد. دانشگاه نسل پنجم دانشگاهی آینده نگر، مسئول در برابر جامعه و مسئله محور است. در چنین دانشگاهی، دانش و فناوری صرفاً برای تولید مقاله یا ارتقای شاخص های علمی به کار گرفته نمی شوند، بلکه در خدمت حل مسائل واقعی جامعه و ارتقای کیفیت زندگی قرار می گیرند.

به بیان دیگر، مأموریت دانشگاه از «تولید دانش» به «کاربرد دانش برای حل مسائل جامعه» گسترش می یابد و دانشگاه به یکی از بازیگران اصلی توسعه پایدار تبدیل می شود. بنابراین کیفیت دانشگاه براساس نقش آن در اکوسیستم اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی ارزیابی می شود. چرا شاخص های سنتی کافی نیستند؟

در بسیاری از نظام های آموزش عالی، ارزیابی کیفیت همچنان بر شاخص های کمی و سنتی متمرکز است؛ شاخص هایی مانند تعداد مقالات علمی، تعداد طرح های پژوهشی، تعداد دانشجویان یا امکانات آموزشی.

اگرچه این شاخص ها می توانند بخشی از عملکرد دانشگاه را نشان دهند، اما به تنهایی قادر به سنجش میزان اثرگذاری واقعی دانشگاه ها در جامعه نیستند. دانشگاهی ممکن است تولید علمی بالایی داشته باشد، اما تأثیر آن در حل مسائل اقتصادی، اجتماعی یا زیست محیطی کشور محدود باشد.

در شرایطی که از دانشگاه ها انتظار می رود در توسعه فناوری، کارآفرینی، حل مسائل ملی و بهبود شرایط اجتماعی نقش آفرینی کنند، نظام های ارزیابی نیز باید بتوانند این ابعاد جدید مأموریت دانشگاه را منعکس کنند. به بیان ساده، کیفیت در آموزش عالی امروز تنها به معنای کارایی در آموزش و پژوهش نیست، بلکه به میزان اثرگذاری دانشگاه در توسعه جامعه نیز مربوط می شود.

تجربه های جهانی در ارزیابی اثرگذاری دانشگاه ها

در بسیاری از کشورهای جهان تلاش هایی برای بازتعریف شاخص های ارزیابی دانشگاه ها در این مسیر صورت گرفته است.

یکی از نمونه های مهم در این زمینه، «رتبه بندی اثرگذاری تایمز (Times Higher Education Impact Rankings)» است. در این نظام رتبه بندی، دانشگاه ها بر اساس میزان مشارکت آنها در تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) ارزیابی می شوند. شاخص هایی مانند عدالت آموزشی، سلامت، توسعه پایدار، همکاری با جامعه و اثرگذاری اجتماعی در این نظام مورد توجه قرار می گیرد.

نمونه دیگر، رویکرد دانشگاه ایالتی آریزونا در ایالات متحده است. این دانشگاه با تأکید بر مفهوم «دانشگاه فراگیر و مسئله محور» تلاش کرده است مأموریت دانشگاه را از تولید صرف دانش به حل مسائل واقعی جامعه گسترش دهد. در این مدل، موفقیت دانشگاه تنها با تعداد مقالات علمی سنجیده نمی شود، بلکه میزان اثرگذاری آن در حل مسائل اجتماعی، توسعه نوآوری و ایجاد فرصت های جدید برای جامعه نیز مورد توجه قرار می گیرد.

در اتحادیه اروپا نیز چارچوب‌هایی مانند «پژوهش و نوآوری مسئولانه» (Responsible Research and Innovation) «تلاش می‌کنند فعالیت‌های علمی و فناورانه را با نیازهای جامعه و ارزش‌های انسانی پیوند دهند. این رویکردها نشان می‌دهند که در بسیاری از نظام‌های پیشرو آموزش عالی، حرکت به سمت ارزیابی‌های اثرگذاری محور و جامعه‌محور در حال شکل‌گیری است.

حرکت به سوی ارزیابی مأموریت‌محور

با توجه به تحولات یادشده، یکی از رویکردهای مهم در تحول نظام‌های ارزیابی کیفیت در آموزش عالی، حرکت به سوی «ارزیابی مأموریت‌محور» است.

در این رویکرد، عملکرد دانشگاه‌ها نه صرفاً بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های یکسان، بلکه با توجه به مأموریت‌ها، ظرفیت‌ها و نقش آنها در توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی ارزیابی می‌شود. چنین رویکردی می‌تواند امکان مقایسه منصفانه‌تر دانشگاه‌ها و در عین حال تقویت نقش آنها در حل مسائل جامعه را فراهم کند. در کنار این رویکرد، استفاده از نظام‌های هوشمند پایش عملکرد و بهره‌گیری از داده‌های دقیق و به‌روز نیز اهمیت زیادی دارد. نظام‌های ارزیابی باید بتوانند تصویری جامع از عملکرد دانشگاه در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش، پژوهش، نوآوری، تعامل با صنعت و اثرگذاری اجتماعی ارائه دهند.

در این چارچوب، ارزیابی کیفیت تنها یک ابزار نظارتی نیست، بلکه ابزاری برای یادگیری سازمانی، بهبود مستمر و هدایت راهبردی دانشگاه‌ها محسوب می‌شود.

#### جمع‌بندی

تحول مأموریت‌های دانشگاه در جهان امروز نشان می‌دهد که آموزش عالی در حال حرکت به سوی دانشگاه‌های مسئله‌محور و اثرگذار است. در چنین شرایطی، نظام‌های ارزیابی کیفیت نیز باید همگام با این تحول بازطراحی شوند.

گذار از ارزیابی‌های صرفاً کمی و مبتنی بر شاخص‌های سنتی به سمت ارزیابی‌های مأموریت‌محور و اثرگذاری محور می‌تواند گامی مهم در ارتقای کیفیت واقعی آموزش عالی باشد. چنین رویکردی به دانشگاه‌ها کمک می‌کند تا علاوه بر تولید دانش، به عنوان نهادهایی اثرگذار در حل مسائل جامعه و شکل‌دهی به آینده‌ای پایدار ایفای نقش کنند.

#### منابع

زند، سلیمان، صالحی عمران، ابراهیم، کرمخانی، زینب. (۱۴۰۳). مرور نظام‌مند بکارگیری مدل ماریپچ پنجگانه در دانشگاه نسل پنجم. سیاست، علم و فناوری، (۱) ۱۷، ۳۹-۵۲.

زند، سلیمان، صالحی عمران، ابراهیم، کرمخانی، زینب. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی دانشگاه نسل پنجم در آموزش عالی ایران (مورد مطالعه: ایران و کشورهای منتخب). (۱) ۱۹، ۷۶۳-۷۷۵.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷)، دانشگاه و آموزش عالی (منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی) تهران: انتشارات نی.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷)، گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران (مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه پژوهی مطالعات علم و آموزش عالی)، تهران: انتشارات آگاه.

Carayannis, E.G, Campbell, D.F. (2010). Triple Helix, Quadruple Helix and Quintuple Helix and how do knowledge, innovation and the environment relate to each other: a proposed framework for a trans-disciplinary analysis of sustainable development and social ecology. *International Journal of Social Ecology and Sustainable Development (IJSESD)*. 1(1): 41-69.

Terán-Bustamante, A., & Torres-Vargas, A. (2020). University Social Responsibility (USR) : and Its Mission: The Case of the Universidad Panamericana in Mexico. In *Strategy, Power and CSR: Practices and Challenges in Organizational Management*. Emerald Publishing Limited .